

## بررسی نقش مادری در آموزه‌های فاطمی<sup>ع</sup> مبتنی بر نظریه «شکوفایی»

ایمان زاغیان / دانشجوی دکتری روانشناسی شناختی دانشگاه خوارزمی تهران پردیس کرج


iman.zaghian98@gmail.com

orcid.org/0000-0002-7086-9348

راضیه رزجی / کارشناس ارشد مشاوره دانشگاه خوارزمی تهران پردیس کرج و طلبه سطح ۳ رشته مطالعات زنان حوزه علمیه رفیعه المصطفی تهران  
razaji8@gmail.com

shfiei.maede@gmail.com

مأده شفیع / کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین

 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۰۱ - پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۱

### چکیده

خانواده نظامی است هدفمند و منسجم که در آن هریک از اعضا موقعیت و نقش خاصی دارد. مادری یکی از نقش‌هایی است که دین اسلام به آن اهمیت بسیار داده است. یکی از رسالت‌های اصلی مادر این است که بتواند برای شکوفایی فرزندان خود گام بردارد. مادر برای اینکه بتواند رفتارهای مطلوبی از خود بروز دهد نیازمند الگویی مناسب است. هدف این تحقیق آن است که نقش مادر را در آموزه‌های زندگانی فاطمی<sup>ع</sup> با توجه به نظریه «شکوفایی» سلیگمن بررسی کند. روش این پژوهش «تحلیل محتوای کیفی» از نوع جهتدار است. بدین‌روی این مراحل را پی گرفته است: (۱) مطالعه مبانی و مفاهیم اصلی نظریه شکوفایی؛ (۲) عرضه سازه‌ها و مفاهیم اصلی نظریه شکوفایی به متون انتخاب‌شده؛ (۳) طبقه‌بندی مفاهیم اولیه موجود در آموزه‌های فاطمی<sup>ع</sup> و (۴) بررسی و تبیین هریک از مقوله‌های انتخابی و سازه‌های شکوفایی با مفاهیم اولیه آموزه‌های فاطمی<sup>ع</sup>. نتیجه به‌دست‌آمده از بررسی مفاهیم حاکی از آن است که سبک زندگی حضرت فاطمه<sup>ع</sup> بیانگر یک ارتباط سازنده با فرزندان است که به موجب آن شکوفایی فرزندان تسهیل می‌شود که از آن می‌توان به‌منزله یک الگو یاد کرد. همچنین توجه به شکوفایی فرزندان از منظر زندگانی حضرت فاطمه<sup>ع</sup> سبب می‌شود رشد و شکوفایی فرزندان جامع و کامل تحقق یابد.

کلیدواژه‌ها: مادر، شکوفایی، سبک زندگی فاطمی، فرزندان.

خانواده اصلی‌ترین هسته هر جامعه و کانون حفظ سلامت و امنیت روانی است. صاحب‌نظران روان‌شناسی و علوم تربیتی یکی از مهم‌ترین نهادهای مؤثر در تربیت و رفتار آدمی را سازمان خانواده می‌دانند؛ زیرا محیط خانواده اولین و مهم‌ترین عامل در تکوین شخصیت انسان‌هاست. همچنین زمینه‌ساز رشد جسمانی، اخلاقی، اجتماعی، عقلانی و عاطفی آنان نیز هست. خانواده به‌مثابه یک پایگاه عاطفی قابل اطمینان، زمینه‌ساز شکوفایی استعدادهای اعضای خویش است (کمرلندر و همکاران، ۲۰۱۵).

خانواده اساسی‌ترین واحد جامعه محسوب می‌شود که مشکل و اختلال در روند آن می‌تواند یکپارچگی جامعه را تحت تأثیر قرار دهد (سالاری فر، ۱۳۸۸، ص ۵) و به‌منزله نخستین و مهم‌ترین عامل رشد فرد، تأثیر عمده‌ای بر سلامت روانی اعضای خویش داشته باشد (پورسینا و همکاران، ۱۳۹۳).

علاوه بر تعاریف مزبور که به ارتباط نهاد خانواده و جامعه نیز اشاره دارد، می‌توان گفت: خانواده یک نظام تلقی می‌شود که دست‌کم از یک زن و مرد تشکیل می‌گردد. این دو، نقش خود را به‌عنوان زن و شوهر در قبال یکدیگر ایفا می‌کنند. در صورتی که در خانواده فرزندان هم باشند، این نظام بزرگ‌تر و پیچیده‌تر شده، نقش‌های دیگری همچون نقش والدینی نیز به نقش‌های گذشته اضافه می‌شود (بیستان، ۱۳۹۰، ص ۵۳).

قرآن کریم خانواده را محلی برای تربیت و رشد توانایی‌های بالقوه افراد قرار داده است. برای سامان‌دهی ثمربخش تربیت کودک، نقش هریک از والدین متفاوت بیان شده است. این تفاوت نقش‌ها و تقسیم وظایف از سوی آموزه‌های اسلامی مبتنی بر بنیادهای معرفت‌شناختی و انسان‌شناختی حکیمانه‌ای بوده و تفاوت‌های جسمانی و روان‌شناختی هریک از والدین در تفاوت نقش‌آفرینی آنان مؤثر بوده است (هاشمی، ۱۳۸۶). در همین زمینه، برای زنان در جایگاه مادری، نقش محوری‌تری در خانواده قائل است؛ زیرا سلامت جسم و روان آنها با سلامت جسم و روان و پویایی اعضای خانواده رابطه‌ای مستقیم دارد (کوچکی راوندی، ۱۳۹۴).

این پژوهش درصدد بررسی نقش مادری است و یکی از حوزه‌هایی که مادر می‌تواند در آن نقش‌آفرینی کند حوزه «شکوفایی» است. «شکوفایی» از مفاهیم مطرح در روان‌شناسی مثبت است و به رشد با شور و نشاط، رشد و پیشرفت، موفق شدن و برجسته بودن تعریف می‌شود. در اصطلاح، «شکوفایی» به معنای پیشرفت کردن، موفق شدن و تحقق استعدادهاست (هژبریان و همکاران، ۱۳۹۳).

اولین نشانه‌های مفهوم شکوفایی در تفکرات فلسفی ارسطو دیده می‌شود که با تأکید بر «شکوفایی جمعی»، آن را حالتی مطلوب از جامعه می‌داند (میرزاخانی و همکاران، ۱۳۹۶، به نقل از: هیل، ۱۹۹۹). در روان‌شناسی نیز تمرکز از «شکوفایی جمعی» به «شکوفایی فردی» و از مطالعه «شکوفایی فلسفی» به «شکوفایی تجربی» تغییر کرده است (سلیگمن، ۱۹۹۹).

بیشتر رویکردهای روان‌شناختی در زمینه شکوفایی شامل دو دسته هستند: دیدگاه‌های سلامت روان که بیان می‌کنند افراد خودشکوفای علاوه بر اینکه سلامت روانی ناشی از نبود بیماری را دارند، دارای عملکرد خوب، هیجانات مثبت، برجستگی در زندگی روزانه و مشارکت سازنده با محیط خود هستند (میرزاخانی و همکاران، ۱۳۹۶، به نقل از: کیز، ۲۰۰۲).

اما از سوی دیگر، دیدگاه روان‌شناختی مثبت‌گرا مبتنی بر دیدگاه شادکامی و یا احساس رضایت از زندگی است (دینر و سلیگمن، ۲۰۰۲). این دیدگاه علاوه بر اینکه بر نیازهای سلامت روان تأکید دارد، به نیازهای مربوط به رضایتمندی از زندگی توجه می‌کند. سلیگمن جنبه‌های شناخته شده اخیر در شکوفایی را در الگوی PERMA بیان می‌کند که شامل «هیجانات مثبت» (positive emotion)، «مشغولیت» (engagement)، «روابط» (relationship)، «معنا» (meaning) و «پیشرفت» (achievement) است (هزبریان و همکاران، ۱۳۹۳).

«شکوفایی» تحت تأثیر عوامل گوناگونی قرار می‌گیرد که آن را تقویت یا تضعیف می‌کنند. مهم‌ترین عامل در این میان «غایت‌نگری» است که خود مشتمل بر دو مؤلفه «هدفمندی» و «معناگرایی» می‌شود. «هدفمندی» به این معناست که انسان برای آینده‌خویش هدفی را در نظر بگیرد و در جهت آن تلاش کند. فرد هدفمند انتظار خود از زندگی را می‌داند و برای رسیدن به آن می‌کوشد.

در سوی دیگر، «معناگرایی» به این معناست که توجه شود زندگی از انسان چه انتظاری دارد. از این رو انسان می‌پذیرد که مسئولیتی را برعهده گرفته است و می‌اندیشد به اینکه چه ثمره افزون‌تری می‌تواند برای جهان هستی داشته باشد (هزبریان و همکاران، ۱۳۹۳).

بنابراین با توجه به مطالب مزبور، «شکوفایی» مدنظر در نظریه روان‌شناسی مثبت، از آن نظر به این عنوان نام‌گذاری شده است که به صورت گرایش‌های عاطفی، اعم از تمایل، اشتیاق و رغبت به شکوفایی مطرح گردیده‌اند. درواقع «شکوفایی» در مفهوم مدنظر به این معناست که هم فرد به انتظار و خواسته خود از زندگی دست یابد و هم خواسته و انتظار زندگی را از خود محقق سازد (هزبریان و همکاران، ۱۳۹۳).

البته تفاوت این مفهوم با خودشکوفایی مدنظر مزبور از این جهت است که مزبور شکوفایی را سهم درصد کمی از جامعه می‌داند و از سوی دیگر معتقد بود: شدت این نیاز بسیار کمی است و نسبت به نیازهای سطح پایین اهمیت کمتری برای افراد پیدا می‌کند (شولتز، ۱۳۹۸، ص ۳۶۶-۳۹۸). این در حالی است که انگیزه شکوفایی مطرح‌شده توسط سلیگمن اکثریت جامعه را دربر می‌گیرد و شدت آن با شدت سایر نیازهای انسان، همراستا و همزمان است (هزبریان و همکاران، ۱۳۹۳).

با توجه به نکات مزبور، «شکوفایی» امری است که نیازمند آن است که از طرف همه انسان‌ها مورد توجه قرار گیرد. همچنین از آن‌رو که شکوفایی ابعاد فردی و جمعی دارد، تنها ناظر به بهینه‌سازی خود فرد نیست و لازم است

فردی که خود به شکوفایی رسیده سایر افراد را نیز برای رسیدن به شکوفایی یاری کند. از این رو این پژوهش کوشیده است نقش مادری را به‌مثابه یک نقش راهبردی در خانواده بررسی کند.

علت انتخاب نظریه «شکوفایی» به‌عنوان نظریه مبنایی برای تحلیل روان‌شناختی نقش مادری در آموزه‌های فاطمی این بوده که نظریه‌پردازان موضوع خانواده را یکی از اهداف مطرح‌نظر خود در تحلیل و تبیین این نظریه قرار داده‌اند.

همچنین شواهد پژوهشی نشان می‌دهد رسیدن به سطوح بالای شکوفایی، پیامدهای مثبتی در بهزیستی روان‌شناختی و جسمانی، رشد و تعالی، معناداری و هدفمندی زندگی دارد (ضیایی و همکاران، ۱۳۹۶). برخی از پژوهش‌ها نشان داده است که رهیافت‌هایی مشترک و سازگاری میان مفاهیم روان‌شناسی مثبت‌گرا و آموزه‌های دینی وجود دارد و در این جهت مفاهیم دینی می‌توانند راه‌کارهای پایدارتر و دقیق‌تری را در ارتباط با بهبود کیفیت زندگی ارائه دهند (یدالله‌پور و همکاران، ۱۳۹۲).

در حوزه فرزندپروری در علم روان‌شناسی و به‌ویژه روان‌شناسی مثبت‌گرا، سبک‌های متفاوتی برای فرزندپروری موضوع بررسی قرار گرفته که رایج‌ترین آنها عبارتند از: «مستبدانه»، «سهل‌گیرانه» و «مقتدرانه». الگوی «مستبدانه» الگویی است که در آن والدین پرتوقع هستند و فرزند را تحت اجبار تنبیه نگه می‌دارند و رفتارهای او را کاملاً پایش می‌کنند.

سبک «سهل‌گیرانه» بیانگر نوعی تربیت است که والدین فرزند را به حال خود وامی‌گذارند تا خودش هرچه را می‌خواهد انتخاب کند، حتی اگر شرایط سنی او به‌گونه‌ای نباشد که بتواند چنین کاری انجام دهد. اما سبک فرزندپروری «مقتدرانه» روشی است که در آن حقوق والدین و کودکان محترم شمرده می‌شود؛ والدین درخواست‌های معقولی از فرزند خود می‌کنند و این درخواست‌ها را با تعیین محدودیت‌ها و تأکید بر اینکه فرزند باید از آنها تبعیت کند، به اجرا می‌گذارند. در عین حال به آنان صمیمیت و محبت نشان می‌دهند (بهرامی احسان و همکاران، ۱۳۸۷).

بر اساس پژوهش‌های حوزه روان‌شناسی، مطلوب‌ترین سبک والدگری و فرزندپروری در روان‌شناسی مثبت سبک «مقتدرانه» است و این به سبب اثرات مثبت و معناداری است که بر روی شکوفایی و بهزیستی فرزند می‌گذارد (کیارزوس و استالیکاس، ۲۰۱۸) و مؤلفه‌های دیگری همچون روابط مثبت، پیشرفت تحصیلی (دبیری و همکاران، ۱۳۹۱، به نقل از: استنبرگ و همکاران، ۱۹۹۴)، خودکارآمدی (کریم‌زاده و همکاران، ۱۴۰۰)، عزت نفس و شادکامی را ارتقا می‌دهد (دبیری و همکاران، ۱۳۹۱) و از بروز ناهنجاری‌های رفتاری در کودکان جلوگیری می‌کند (کریم‌زاده و همکاران، ۱۴۰۰). بدین‌روی والدینی که کودکانشان از سبک فرزندپروری «مقتدرانه» سود می‌جویند، وضعیت روان‌شناختی - اجتماعی و زیستی بهتری دارند.

از سوی دیگر روشن شده است که فرزندپروری «سهل‌گیرانه» و «مستبدانه» کودکان را با مشکلات روان‌شناختی بسیاری مواجه خواهد کرد (شفیع‌پور و همکاران، ۱۳۹۴).

آموزه‌های اسلامی سبکی مشابه سبک فرزندپروری در روان‌شناسی ارائه می‌دهد و نام آن را فرزندپروری «مسئولانه» می‌گذارد. اما علاوه بر آنچه در سبک «مقتدرانه» ذکر شد، آموزه‌های اسلامی به دنبال آن است که توجه فرزند را به ماهیت اصلی و اساسی وجود او معطوف کند و مسئولیت الهی و انسانی‌اش را به او گوشزد نماید. از این رو در این سبک از فرزندپروری، انسان تحت نظارت خداوند است و باید بداند که تمام رفتارهایش محاسبه می‌گردد. بنابراین او هر کاری را نمی‌تواند انجام دهد. در الگوی تربیتی مدنظر اسلام اشخاص برجسته‌ای همچون انبیاء و اهل‌بیت علیهم‌السلام الگو قرار می‌گیرند. این در حالی است که در سایر سبک‌های فرزندپروری ابعاد مادی انسان‌های برجسته مطمح‌نظر است (عادل‌پور، ۱۳۹۶).

با توجه به نکات مزبور، برای تحلیل و بررسی «نقش‌آفرینی مادر در شکوفایی در حوزه تربیت فرزندان»، مبنای اصلی رجوع به آموزه‌های اسلامی در حوزه زن و خانواده است. برای اکتشاف مبانی نقش‌آفرینی مادر در حوزه شکوفایی نظام خانواده، نیاز به الگویی از جنس زن است که به‌صورت مجسم و عینی، حکایت از یک شخصیت معصوم داشته باشد، عاری از هرگونه اشتباه و پلیدی که تمام نقاط زندگی‌اش برای زن مسلمان قابل الگوبرداری باشد. بر همین اساس، موضوع اصلی این پژوهش با توجه ویژه به شخصیت حضرت فاطمه علیها السلام شکل گرفته است. مبنای رجوع به زندگانی حضرت فاطمه علیها السلام حجیت سنت و روش ایشان است که در آیات تطهیر، اهل‌الذکر، علم‌الکتاب، اعتصام، اوتوا العلم، اصطفااء و مودت و نیز احادیث ثقلین، سفینه و غضب فاطمه روشن می‌گردد (رضوانی، ۱۳۸۸، ص ۲۶-۳۱). همچنین منظور از «آموزه‌های فاطمی علیها السلام» آموزه‌هایی است که از افعال و گفتارهای حضرت فاطمه علیها السلام رسیده است.

روشن است که زن در خانواده می‌تواند دارای نقش‌های متفاوتی همانند مادری، همسری و فرزند و حتی خواهری باشد. در این پژوهش قرار است به بعد مادری پرداخته شود و این نقش در حوزه نقش‌آفرینی فاطمی در زمینه شکوفایی بررسی می‌گردد.

آن حضرت در حوزه تربیت فرزند، آیین خاص خود را داشتند؛ از جمله: همبازی فرزند بودن، تأکید بر آگاهی‌بخشی به فرزندان، رعایت عدالت در برخورد با فرزندان، پرورش روحیه عبادت و تقوا، محبت به کودک، و توجه به نیازهای وی (رشاد، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۲۶۷) که البته به تفصیل در بخش یافته‌ها به آن اشاره شده است.

مطالعات بسیاری درباره فاطمه‌شناسی در ایران و خارج از کشور انجام شده که حاصل آن بیش از ۷۰۰ جلد کتاب است (برهانی، ۱۳۹۳). همچنین در این حوزه می‌توان به چهار کنگره ملی «فاطمه‌شناسی» که توسط «مؤسسه امام مبین» که از سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۹۴ برگزار شده است، نیز اشاره کرد. در چهار کنگره برگزار شده با

موضوع فاطمه‌شناسی، ۴۱ عنوان مقاله با موضوع «سبک زندگی»، ۲۴ عنوان مقاله با موضوع «تربیت فرزند و نقش مادری در زندگی حضرت فاطمه» و ۲۳ عنوان مقاله در حوزه شخصیتی حضرت زهرا<sup>ع</sup> ارائه شده است (علیان، ۱۳۹۴). در ذیل، به تعدادی از مطالعات انجام‌شده اشاره می‌شود:

نی‌یو/ و وحیدی (۱۳۹۹) سبک فرزندپروری در سیره حضرت زهرا<sup>ع</sup> را موضوع پژوهش قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که رفتارهای مدنظر در زندگانی حضرت فاطمه<sup>ع</sup> در نقش مادری عبارتند از: توجه به امور معنوی، نامگذاری شایسته، پرورش حس خداپرستی در کودکان، بوسیدن و ملاطفت با آنها، رعایت عدالت، اظهار علاقه، بازی، صدقه دادن برای آنها، توجه به تغذیه، و آموزش مسائل عبادی.

بهجت‌پور (۱۳۹۴) در تحقیق خود با عنوان «سبک زندگی فاطمی» دو ویژگی مهم را در سبک زندگی حضرت زهرا<sup>ع</sup> بررسی کرده که عبارتند از: ۱. حکیم بودن ایشان در عین دانشمند بودن؛ ۲. موقعیت‌شناسی و کنش‌ورزی متناسب با موقعیت. همچنین ابعاد فردی حضرت شامل موضوعاتی است؛ مثل: اعتقاد راسخ به معاد، اطاعت محض از خداوند، رضا و توکل، صبر و سادگی، و پوشش. نیز در این پژوهش رابطه ایشان با دیگران - از جمله والدین، همسر و فرزندان - مرور شده است.

قهرمانی‌نژاد سابق (۱۳۹۴) در پژوهش خود، با موضوع «بررسی زندگی و سیره حضرت زهرا<sup>ع</sup>» به الگوی سبک زندگی دینی پرداخته‌اند. این مطالعه پس از بررسی تعریف و ابعاد و مؤلفه‌های سبک زندگی، به ضرورت طرح الگوی سبک زندگی فاطمی پرداخته است. همچنین جایگاه حضرت فاطمه<sup>ع</sup> در قرآن و روایات مدنظر قرار گرفته و به برکت حضور حضرت زهرا<sup>ع</sup> به قبل از تولد، به زمان کودکی و در ادامه عمر شریف ایشان اشاره شده است. شیوه ازدواج، شیوه تربیتی و نحوه تعامل ایشان با مردم و شیوه مبارزه با غاصبان به‌منزله یک الگوی همگانی بررسی گردیده و در جمع‌بندی تحقیق، بر آن تأکید شده است.

زارعی و کاردوانی (۱۳۹۲) در مقاله خود به بررسی تطبیقی روش‌های تربیتی حضرت زهرا<sup>ع</sup> در فرزندپروری با روش‌های تربیتی عصر نوین پرداخته‌اند. در این پژوهش بعد از تعریف لغوی و اصطلاحی مفهوم «تربیت» و روش تربیتی، ابتدا به روش‌های تربیتی عصر جدید و سپس به روش‌های تربیتی حضرت زهرا<sup>ع</sup> اشاره شده و در آخر با تأکید بر شاخصه‌های تربیت اسلامی این نتیجه به دست آمده است که تعریف «تربیت» در دو دیدگاه روان‌شناسی جدی و اسلام و به تبع اهداف و محدوده تربیت از هم متفاوت‌اند و در محورها و روش‌های تربیتی نیز فرقه‌هایی بنیادین دارند.

علیان (۱۳۹۴) در پایان‌نامه خود با عنوان *تدوین الگوی سبک زندگی زن در خانواده اسلامی براساس ابعاد روان‌شناختی سبک زندگی فاطمی*، کوشیده است به تدوین و تبیین یک الگوی متنق و دقیق درباره موضوع «سبک زندگی زن در خانواده اسلامی» براساس یک نگاه علمی با توجه به زندگی حضرت زهرا<sup>ع</sup> در حوزه فردی - زنانه، مادری و همسری بپردازد.

حجتی و سبحانی (۱۳۹۵) در تحقیق خود با عنوان «اخلاق همسرمداری با الگوبرداری از سبک زندگی حضرت فاطمه زهرا علیه‌السلام» نتیجه گرفتند: رابطه زن‌ها و شوهرها به شرط محبت و ایثار متقابل، مناسب‌ترین بستر شکوفایی شخصیت است و با توجه به تهجمات فرهنگی، الگوبرداری از همسرمداری حضرت فاطمه زهرا علیه‌السلام برای جامعه ضرورت دارد.

در رابطه با مطالبی که به آنها اشاره شد، ذکر چند نکته ضروری است:

۱. در خصوص زندگانی حضرت فاطمه علیه‌السلام آثار ارزشمندی بر جای مانده، اما این آثار به یک یا چند وجه از شخصیت حضرت زهرا علیه‌السلام نگاه کرده‌اند.

۲. شیوه نگارش این مطالب غالباً مبتنی بر روش‌های علمی نبوده و برای نگارش مطالب بیشتر، سلیق فردی مؤلفان لحاظ گردیده است (علیان، ۱۳۹۵).

بنابراین با توجه به این نکات، لازم می‌نمود در حوزه سبک زندگی حضرت فاطمه زهرا علیه‌السلام به تبیین و بررسی نقش ایشان از دیدگاه نظریه «شکوفایی فرزندان در نظام خانواده» پرداخته شود. این پژوهش درصدد تحقیق و بررسی در این باره است که «نقش مادری در آموزه‌های فاطمی مبتنی بر نظریه شکوفایی چیست؟»

## روش پژوهش

روش موردنظر در این تحقیق، «تحلیل محتوای کیفی» است. «تحلیل محتوا» هدف تحقیق را ترسیم می‌کند و پژوهشگر را در موقعیتی خاص در مقابل واقعیت خود قرار می‌دهد (کریپیندورف، ۱۳۹۳، ص ۲۵). «تحلیل محتوا» شامل سه روش کلی می‌شود: «تحلیل محتوای عرفی یا قراردادی»، «تحلیل محتوای جهتدار»، و «تحلیل محتوای تلخیصی».

با توجه موضوع تحقیق، روش مناسب برای استفاده در این پژوهش «تحلیل محتوای جهتدار» است. در شرایطی که نظریه یا تحقیقات قبلی درباره یک پدیده کامل نیست، محقق روش «تحلیل محتوای جهتدار» را برمی‌گزیند. این روش، یک روش قیاسی مبتنی بر نظریه است و تمایز آن با سایر روش‌ها براساس نقش نظریه در آن است. «تحلیل محتوای جهتدار» روشی است که به توصیف و گسترش یک نظریه یا دیدگاه درباره یک موضوع می‌پردازد که به آن اشاره شده است.

نظریه از پیش موجود می‌تواند به طرح پرسش‌های متناسب با تحقیق کمک کند. این موضوع پیش‌بینی‌هایی را درباره متغیرهای مدنظر یا درباره ارتباط بین متغیرها فراهم می‌سازد. این موضوع می‌تواند به تعیین طرح رمزگذاری اولیه و ارتباط بین رمزها کمک کند که نشانه مقوله‌بندی به شیوه «قیاسی» است. روش «تحلیل محتوا» با رویکرد جهتدار نسبت به سایر روش‌ها، رویکردی ساختارمندتر به شمار می‌رود. هدف «تحلیل محتوای جهتدار» معتبر ساختن و گسترش مفهومی چارچوب نظری است (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰).

## نمونه‌گیری

در این تحقیق از «نمونه‌گیری هدفمند» استفاده شد، به این صورت که از میان مطالعات و منابع گوناگون در حوزه فاطمه‌شناسی، سبک زندگی و سیره‌شناسی حضرت فاطمه علیها السلام که شامل قریب ۷۰۰ جلد کتاب و ۱۰۰ عنوان مقاله چاپ شده است، مجموعه شش جلدی *دانشنامه فاطمی*، اثر *علی‌اکبر رشاد* (۱۳۹۲) منبع استفاده قرار گرفت. علت استفاده از این منبع در پژوهش حاضر آن است که این مجموعه شش جلدی واجد چهار ویژگی متمایز نسبت به سایر منابع مرتبط با سیره حضرت فاطمه علیها السلام است که عبارتند از: جامعیت، جامعیت در آراء، توجه به عموم مخاطبان، و استفاده از منابع دست اول (رحمان ستایش، ۱۳۹۲).

## اعتبارپذیری

این پژوهش برای آنکه بتواند اعتبارپذیری یا قابلیت اعتماد داده‌های پژوهش را بیفزاید از روش «زاویه‌بندی» (Triangulation) استفاده کرد. «زاویه‌بندی» روشی برای ارزیابی اعتبار در داده‌های پژوهش کیفی است؛ یعنی همگرایی مبتنی بر یافته‌ای خاص با استفاده از انواع متفاوت روش‌ها، نظریه‌ها، پژوهشگران و منابع اطلاعاتی (محمدپور، ۱۳۹۸، ص ۵۰۳). زاویه‌بندی انواع گوناگونی دارد: «روش‌شناختی»، «داده‌ای»، «تحلیلی یا پژوهشگر» و «نظری» (محمدپور، ۱۳۸۹).

در این پژوهش برای افزایش اعتبارپذیری داده‌ها:

۱. ابتدا از زاویه‌بندی تحلیلی یا پژوهشگر استفاده شد؛ بدین معنا که هر سه پژوهشگر این مقاله با نظر به منبع انتخاب‌شده سعی کردند مفاهیم اولیه را استخراج کرده، با یکدیگر جمع‌نمایند و آنها را بررسی کنند.
۲. همچنین با استفاده از زاویه‌بندی به روش منابع اطلاعاتی، جدول مفاهیم به دو تن از استادان روان‌شناسی و اسلامی عرضه شد و آنان نظرات خود را درباره این جدول عرضه داشتند، سپس نقطه نظرات آنان در این طبقه‌بندی لحاظ شد.

## مراحل انجام تحقیق

- ۱) ابتدا تعدادی از منابع پژوهشی که در ارتباط با نظریه «شکوفایی» *سلیگمن* به فارسی و انگلیسی نگاشته شده بود، مطالعه شد.
- ۲) سپس سازه‌ها و مقوله‌های اصلی نظریه «شکوفایی» به *دانشنامه فاطمی* عرضه گردید.
- ۳) پس از عرضه سازه‌های شکوفایی به آموزه‌های فاطمی، مفاهیم اولیه از داده‌های خام طبقه‌بندی و دسته‌بندی شد.
- ۴) در نهایت هریک از مفاهیم با استفاده از مستنداتشان در چارچوب مفاهیم نظریه «شکوفایی» بررسی و تبیین گردید و میان آنها ارتباطی منطقی ایجاد گشت.



براساس مطالعه‌ای که در خصوص مبانی نظریه «شکوفایی» انجام شد، عوامل مؤثر بر شکوفایی عبارتند از: غایت‌نگری، انگیزه شکوفایی، شرایط اجتماعی - محیطی - فرهنگی، روابط مثبت، و شایستگی‌ها (هژبریان و همکاران، ۱۳۹۳). این عوامل می‌تواند تحت تأثیر مادر، تقویت شود و فرد را به سمت شکوفایی سوق دهد.

هر کدام از عوامل مذکور شامل مؤلفه‌هایی است که معرفی می‌گردد: انگیزه شکوفایی (شامل اشتیاق به تحقق توان فردی، علاقه به تحقق بهزیستی و گرایش به مولد بودن)؛ شرایط محیطی - فرهنگی - اجتماعی (شامل غنی بودن محیط، مشوق‌های بیرونی و سرمشق مناسب)؛ روابط مثبت که براساس مطالعات، مهم‌ترین منبع بهزیستی برای افراد در سراسر جهان است؛ و در نهایت شایستگی‌ها که هدف از آنها اداره کردن، نحوه برخورد، به انجام رساندن، و حساسیت نشان دادن نسبت به پدیده است (هژبریان و همکاران، ۱۳۹۳).

در ادامه، به مضامین به‌دست‌آمده از سبک زندگی حضرت فاطمه علیها السلام براساس نظریه «شکوفایی» اشاره می‌شود:

جدول ۱: عوامل ایجاد شکوفایی در فرزندان

سازه‌ها	مقوله‌ها	مفاهیم متمرکز	نمونه مستندات
انگیزه شکوفایی	اشتیاق به تحقق توان فردی	آگاهی	رشاد، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۲۷۲
		آماده‌سازی	رشاد، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۵۵
	علاقه به تحقق بهزیستی خود و دیگران	بسترسازی در زمینه بهداشت و سلامت	رشاد، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۴۳۵
		تلاش برای دور کردن فرزندان از بلاها و مشکلات	رشاد، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۴۳۵
شرایط اجتماعی - محیطی - فرهنگی	غنی بودن محیط	حضور مادر در کنار فرزندان	رشاد، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۲۶۸
		استفاده از شعر و بازی	رشاد، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۲۶۷
	مشوق‌های بیرونی	تقویت ابعاد رفتاری تربیت فرزندان	رشاد، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۵۵
		تقویت ابعاد شناختی تربیت فرزندان	رشاد، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۲۶۹
سرمشق مناسب	پیشروی در انجام رفتارهای پسندیده	رشاد، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۱۸۶	
روابط مثبت	-	احترام	رشاد، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۱۸۵
		عدالت و انصاف	رشاد، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۲۷۱
		محبت	رشاد، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۵۵
شایستگی‌ها	خودآگاهی / خودمدیریتی	آگاهی دادن از حوادث و پیشامدهای ناگوار	رشاد، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۲۱۷
		خدامحوری و توکل	رشاد، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۲۷۲
	مشغولیت	مشارکت دادن فرزندان در امور خانه	رشاد، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۲۷۲
رشاد، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۲۸۲			
		بازی دادن به آنان و همراهی با آنان در بازی	رشاد، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۲۶۷

## انگیزه شکوفایی

از آن نظر به این مقوله «انگیزه شکوفایی» گفته می‌شود که مؤلفه‌های زیرمجموعه آن به صورت گرایش‌های عاطفی، اعم از «تمایل»، «اشتیاق» و «رغبت به شکوفایی» مطرح شده است. «شکوفایی» مدنظر بدین معناست که فرد، هم به انتظار و خواسته خود از زندگی دست یابد و هم انتظار و خواسته زندگی از خود را محقق سازد. از این رو مفهوم مزبور فراتر از انگیزه پیشرفت در نظر گرفته شده است. این مفهوم با نیاز به خودشکوفایی مزبور تفاوت دارد؛ زیرا مزبور این گرایش را فطری می‌داند و آن را برای همه افراد جامعه تحقق‌پذیر نمی‌شمرد و تنها معتقد بود: یک درصد جامعه چنین امکانی دارند. این در حالی است که نیاز به خودشکوفایی مد نظر سلیگمن عمدتاً اکتسابی است و چنانچه شرایط علی آماده باشد، بیشتر افراد می‌توانند این امکان را برای خود ایجاد نمایند. همچنین همراستا با این نیاز، دیگر نیازهای فرد نیز برطرف می‌شوند (هژبریان و همکاران، ۱۳۹۳).

## اشتیاق به تحقق توان فردی

### الف. آگاهی

برای آنکه در فرزندان این شوق ایجاد شود که توانایی‌های بالقوه خود را شکوفا کنند، باید در آنان آگاهی ایجاد گردد. براساس سبک زندگی حضرت فاطمه علیها السلام فرزندان باید اولاً، از نگرانی والدین خود نسبت به شکوفایی آنان آگاه شوند (رشاد، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۲۶۸)، سپس مسائل دینی به آنان آموزش داده شود. این آموزش به چند طریق تحقق‌پذیر است:

اول. به صورت مستقیم این آموزش انجام شود و آنان چیزهایی را از والدین خود فراگیرند.

دوم. این آموزش عملی باشد؛ یعنی خودشان عمل کنند و فرزندان ملاحظه‌گر عمل والدین خود باشند.

سوم. گاهی والدین همراه فرزندان خود کارهایی را انجام دهند.

چهارم. همشینی‌های خوبی برای فرزند خود برگزینند تا رفتارهای درست را از آنان فراگیرند (همان، ج ۲، ص ۲۷۲).

### ب. آماده‌سازی

باید توسط والدین آمادگی برای انجام کارهای نیک در فرزندان ایجاد شود. این آمادگی باید به صورت روحی و جسمی باشد تا آنان به راحتی هرچه تمام‌تر این رفتارها را از خود بروز دهند؛ مثلاً، اگر قرار است در زمان خاصی عبادت کنند اولاً، به آنها اطلاع داده شود و برای این کار ضرورت آن تبیین شود. همچنین از نظر میزان خواب و تغذیه‌ای که دارند، برایشان آمادگی در جهت انجام عمل عبادی فراهم شود. در سبک زندگی حضرت زهرا علیها السلام فرزندان برای شب‌زنده‌داری از روز قبل آماده می‌شدند و غذایشان توسط مادرشان کم می‌شد تا به راحتی بیشتری بتوانند شب را احیا بگیرند و از برکات معنوی آن بهره‌مند شوند (همان، ج ۱، ص ۵۵).

تمایل به تحقق بهزیستی

### ۱. بسترسازی در زمینه بهداشت و سلامت

در آموزه‌های زندگی حضرت زهرا علیها السلام به رعایت بهداشت جسمی توجه ویژه‌ای شده است. این توجه در رابطه با فرزندان از پیش از ولادت و در هنگام تشکیل نطفه وجود داشته (همان، ج ۲، ص ۲۶۴) و پس از ولادت نیز بسیار مورد اهتمام قرار گرفته است. برای همین فرزندان در اوقات گوناگون روز، به‌ویژه هنگام خواب، باید دست‌ها و بدنشان از آلودگی پاکیزه باشد (همان، ج ۱، ص ۲۰۲).

این توجه به بهداشت به ضرورت مکفی بودن تغذیه نیز می‌پردازد و این ضرورت به حدی است که گاهی مادر خود غذایی نمی‌خورد، اما برای فرزندان غذایی تهیه می‌کرد و یا حتی اگر در خانه غذایی پیدا نمی‌شد، فرزندان توسط یکی از نزدیکان دلسوز خود تغذیه می‌شدند (همان، ج ۱، ص ۵۴).

همچنین برای بهداشت و سلامتی فرزندان در ابتدای ولادتشان، خود اقدامات گوناگونی انجام دهند؛ از جمله پس از ولادت، آنان را ختنه نمایند و یا گوششان را سوراخ کنند (همان، ج ۱، ص ۴۳۵).

### ۲. تلاش برای دور کردن فرزندان از بلاها و مشکلات

یکی از مهم‌ترین کارهایی که می‌توان انجام داد تا فرزندان از پیشامدهای ناگوار در امان باشند این است که والدین در ابتدای ولادت فرزند، برای او حیوانی را عقیقه (قربانی) کنند و موهای سر او را بتراشند و معادل وزنش نقره صدقه بدهند (همان، ج ۱، ص ۱۸۵). همچنین برای سلامت فرزندان و محافظت آنان از بلاها، به هنگام وضع حمل، آیاتی از قرآن کریم مانند آیه الکرسی خوانده شود (همان، ج ۱، ص ۴۳۵).

همچنین براساس آموزه‌های فاطمی، والدین می‌توانند برای سلامتی و شفای فرزندان خود دعا کنند و یا به اولیای الهی متوسل شوند و یا نذر کنند؛ مثلاً حضرت زهرا علیها السلام به علت بیماری یکی از فرزندان خود، همراه امیرمؤمنان علیه السلام نذر کردند سه روز روزه بگیرند (همان، ص ۵۴). در نهایت، در کنار همه این کارها برای سلامتی فرزندان خود، باید از اسباب مادی هم استفاده کنند (همان، ج ۲، ص ۲۶۶).

### ۳. شرایط اجتماعی - محیطی - فرهنگی

شرایط گوناگون اجتماعی - محیطی - فرهنگی اثر متفاوتی بر روی شکوفایی فرد دارد. شرایط محیطی مناسب می‌تواند زمینه‌ساز ظهور استعدادهای گوناگون انسانی باشد. همچنین زمینه‌های نامساعد و خصمانه می‌تواند مانعی برای دستیابی یک فرد به اندیشه‌ها و رفتارهای نو باشد (توباسیک و میلر، ۱۹۹۱).

غنی بودن محیط

یک. حضور مادر در کنار فرزندان

در سبک زندگی حضرت فاطمه علیها السلام حضور مادر برای فرزندان اصالت بالایی دارد و بر هر چیزی، حتی امور مربوط به

خانه اولویت دارد (رشاد، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۵۵). همچنین تا جایی که امکان دارد، مادر برای شیر دادن فرزند از نایب استفاده نکند و خود به او شیر دهد (همان، ج ۱، ص ۴۵۴).

نکته دیگر اینکه به حدی حضور مادر در کنار فرزند از منظر سبک زندگی فاطمی حیاتی است که حضرت فاطمه علیها السلام در روزهای پایانی عمر خود، از امیرمؤمنان علیه السلام درخواست کردند برای کاستن خلأ حضور ایشان به عنوان مادر در کنار فرزندان، با دختر خواهرشان ازدواج کنند (همان، ج ۱، ص ۲۶۸).

## دو. استفاده از شعر و بازی

برای آنکه فرزندان بتوانند از نظر استعدادها و توانایی‌ها، خود را به شکوفایی برسانند، باید والدین محیطی غنی از نظر تربیتی برای آنان ایجاد کنند. یکی از کارهایی که مدنظر حضرت فاطمه علیها السلام بود و باید به آن توجه کرد، این است که برای فرزند شعر خوانده شود.

نکته قابل توجه اینکه اشعار نباید هر محتوایی داشته باشد، بلکه باید دارای محتوایی غنی باشد. محتوای غنی اشعار به معنای استفاده از مفاهیم بلند و عمیق سیاسی، اجتماعی، اعتقادی و اخلاقی برای انتقال به فرزندان است. همچنین والدین به همراه فرزند خود بازی کنند و همچنین در خلال بازی‌ها نیز معارف مهمی را به فرزند خود انتقال دهند (همان، ج ۲، ص ۲۶۷).

## مشوق‌های بیرونی

### ۱) تقویت ابعاد رفتاری تربیت فرزندان

برای آنکه فرزندان به سمت فضایل و کارهای نیک سوق داده شوند نیاز است که به اشکال گوناگون از سوی والدین تشویق شوند؛ مثلاً، حضرت زهرا علیها السلام فرزند خود را پیوسته ترغیب می‌کردند تا مانند پدرشان حق را یاری کند (همان، ج ۱، ص ۱۸۶) و یا اینکه خدا را عبادت کنند (همان، ج ۱، ص ۵۵).

### ۲) تقویت ابعاد شناختی تربیت فرزندان

در کنار همه اینها، غیر از تأکیدی که بر روی ابعاد رفتاری وجود دارد، والدین باید فرزندان را در ابعاد شناختی نیز تقویت کنند. امام حسن علیه السلام در جاهای متعددی توسط مادرشان تشویق می‌شدند. به مسجد می‌رفتند تا پای منبر رسول خدا صلی الله علیه و آله بنشینند و سپس از ایشان خواسته می‌شد آموخته‌های خود را برای مادر بازگویی کنند (همان، ج ۲، ص ۲۶۹).

## سرمنشوق مناسب

### یکم. پیشروی در انجام رفتارهای پسندیده

برای بسیاری از والدین مسئله مطرح این است که چگونه فرزند خود را به سمت رفتارهای مطلوب و پسندیده سوق

دهند. پاسخ این سؤال را با نگاه به سبک زندگی فاطمی می‌توان داد: والدین در رفتارهای نیکو، پیشرو باشند و خود را الگوی فرزندان قرار دهند (همان، ج ۱، ص ۶۱۸۶).

### دوم. روابط مثبت

یکی دیگر از عوامل مؤثر بر شکوفایی، روابط مثبت است که به واسطه آن، شادی افزایش می‌یابد و کارکرد افراد بهتر می‌شود. افرادی که روابط خوبی دارند از دیگران نیز مراقبت می‌کنند (بیسواس-داینر، ۲۰۰۸). محققان دریافتند که روابط اجتماعی خوب، بهزیستی ذهنی را برای افراد در همه کشورها پیش‌بینی می‌کند و احتمالاً مهم‌ترین منبع بهزیستی شخص و بهترین پیش‌بین رضایت از زندگی است (داینر، اویشی و لوکاس، ۲۰۰۳).

### سوم. احترام

براساس سبک زندگی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام فرزندان باید با اصل «احترام گذاشتن» آشنا شوند. برای همین نیاز است برای احترام به بزرگان، به آنان آموزش داده شود (رشاد، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۲۶۶). در کنار این به فرزندان نیز احترام گذاشته شود و به آنان القا گردد که والدینشان برای آنان ارزش زیادی قائل هستند. در همین زمینه حضرت فاطمه علیها السلام خود به فرزندانشان سلام می‌کردند، به آنها هدیه می‌دادند و برای آنها نام نیک برمی‌گزیدند (همان، ج ۲، ص ۲۶۹) و به حدی در این‌باره حساسیت نشان می‌دادند که از شخصی مانند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای نامگذاری فرزندانشان تقاضا می‌کردند (همان، ج ۱، ص ۱۸۵).

### چهارم. عدالت و انصاف

در رابطه‌ای که میان فرزندان و والدین شکل می‌گیرد، باید سعی شود در کنار احترام و محبت به فرزندان، میان هیچ‌کدام تبعیضی اعمال نشود (زارعی و کاردوانی، ۱۳۹۲): یعنی مبنای توجه والدین به فرزندان براساس فضایل فرزندان باشد (رشاد، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۲۷۰). همچنین حق تقدم خواسته‌های فرزندان و اولویت‌های لازم در این باره رعایت شود و در این زمینه هیچ‌یک بر دیگری ترجیح داده نشود (همان، ص ۲۷۱).

### پنجم. محبت

یکی دیگر از رفتارهایی که می‌تواند نشانگر روابط مثبت با فرزند باشد و به شکوفایی او کمک کند این است که فرزند از طریق بوسیدن و بوییدن و در آغوش کشیدن مورد التفات والدین خود قرار گیرد (زارعی و کاردوانی، ۱۳۹۲) و این محبت از جانب مادر به فرزند اظهار شود (رشاد، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۵۵).

### ششم. شایستگی‌ها

شایستگی شامل اداره کردن، نحوه برخورد، به انجام رساندن و حساسیت نشان دادن نسبت به پدیده «شکوفایی» است. «شکوفایی» مفهومی چندبعدی است که برای رسیدن به آن باید ترکیب مناسبی از عوامل محیطی و فردی

در کنار هم قرار گیرد و فرد را به آن نقطه برساند. برای این کار لازم است مجموعه‌ای از مهارت‌ها برای فرد ایجاد شود تا او با استفاده از آنها راه رسیدن به شکوفایی خود را هموار سازد (هژبریان و همکاران، ۱۳۹۳).

### خودآگاهی / خودمدیریتی

#### ۱. آگاهی دادن از حوادث و پیشامدهای ناگوار

یکی از چیزهای که می‌تواند کمک کند تا فرد به خودآگاهی و خودمدیریتی - به‌عنوان یک شایستگی و صفت مثبت - دست یابد این است که بداند در زندگی قرار نیست همواره آسودگی و زیبایی ببیند، بلکه باید خود را در بسیاری از مواقع، برای مصایب و مشکلاتی که در آینده خواهد دید، آماده کند تا بتواند در آن شرایط خود را بیابد. بدین‌روی لازم است فرزندان در شرایط مناسب، با پیشامدها و مشکلاتی که بر سر راه آنان قرار خواهد گرفت، گفت‌وگو کنند و پدر و مادر آنان را آگاه سازند (رشاد، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۲۱۷)؛ زیرا آگاهی داشتن پیش از مواجهه با شرایط بحرانی و دشوار، در مدیریت آن مسئله به انسان کمک خواهد کرد (رستمیان و همکاران، ۱۳۸۶؛ گرادوس، ۲۰۱۷).

#### ۲. خدامحوری و توکل

یکی از کلیدی‌ترین معارف و توصیه‌های مدنظر اسلام و همچنین سبک زندگی حضرت فاطمه علیها السلام که می‌تواند به فرد کمک کند تا در شرایط دشوار و بحرانی، خود را بیابد و مسائل خود را مدیریت کند، خدامحوری و توکل به خداوند در تمام امور است. فرزندان باید غیر از رابطه خوبی که با والدین و دیگران به‌مثابه مهم‌ترین انسان‌های زندگی خود برقرار می‌کنند، رابطه مناسب با خداوند را نیز مدنظر قرار دهند. آنان باید بیاموزند که در زندگی خود باید بر خداوند توکل کنند و او را محور تمام امور بدانند (رشاد، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۲۷۲).

### سختکوشی / مشغولیت

#### یک) مشارکت دادن فرزندان در امور خانه

باید مشغولیت‌های خوبی برای شکوفایی شایستگی‌ها و لیاقت‌های فرزندان ایجاد شود. از جمله این مشغولیت‌های خوب، آن است که در امور خانه مشارکت داده شوند و با این امور آشنا گردند (همان، ج ۲، ص ۲۸۲).

#### دو) بازی دادن به آنان و همراهی با آنان در بازی

والدین علاوه بر اینکه فرزندان خود را با امور مربوط به خانه آشنا می‌کنند و از مشارکت آنان در خانه استفاده می‌کنند، باید برای آنکه کودکان به شکوفایی برسند، مجال با هم بازی کردن را نیز برایشان ایجاد کنند و حتی والدین نیز در کنار آنان بازی کنند (همان، ج ۱، ص ۲۶۷).

## بحث و نتیجه‌گیری

با یک نگاه حداقلی می‌توان ادعا کرد که بخشی از قواعد، هنجارها و ارزش‌ها و آرمان‌های زندگی انسانی تحت تأثیر آموزه‌های دینی قرار دارد و زندگی انسان در نظام خانواده نیز از این قاعده مستثنا نیست (کافی، ۱۳۹۷، ص ۳۶۷). بنابراین دو پیش‌فرض را می‌توان در نظر گرفت:

اول اینکه زندگی خانوادگی انسان دارای نظام و انسجام مشخصی است.

دوم اینکه این نظام متشکل از موقعیت‌ها و نقش‌های گوناگونی برای هر یک از اعضای حاضر در آن است. یکی از موقعیت‌های پراهمیت در نظام خانواده، مادر است که چگونگی رفتارهای تربیتی او می‌تواند در میزان شکوفایی فرزندان نقش بسزایی ایفا کند.

بنابراین مسئله تحقیق بدین‌گونه صورت‌بندی شد که نقش مادر در تحقق شکوفایی فرزندان در نظام خانواده چیست؟ و این نقش با نظر به سبک زندگی فاطمی به‌مثابه یک الگوی مطلوب و قابل اطمینان، در کانون توجه قرار گرفت و در نهایت، این نتیجه به‌دست آمد که اگر سبک زندگی فاطمی در موقعیت مادری و نقش‌های مرتبط با آن به‌منزله الگویی برای تربیت فرزندان مدنظر قرار گیرد، می‌تواند در شکوفایی فرزندان تأثیر بسزایی داشته باشد و به آنان در این زمینه یاری رساند. همچنین توجه به شکوفایی فرزندان از منظر زندگانی حضرت فاطمه علیها السلام سبب می‌شود رشد و شکوفایی فرزندان جامع و کامل تحقق یابد.

براساس مطالبی که ذکر شد، منطبق بر نظریه «شکوفایی» سلینگمن می‌توان به چهار سازه بنیادین در تحقق شکوفایی انسان اشاره نمود که آنها نیز خود به نه مقوله تقسیم می‌شوند. این نه مقوله در نظریه «شکوفایی» به شانزده مفهوم متمرکز در سبک زندگی فاطمی تقسیم شد و تحلیل گردید. این مفاهیم منطبق با آنچه در *دانشنامه فاطمی*، اثر علی‌اکبر رشاد وجود داشت، بررسی گردید.

انگیزه شکوفایی شامل دو مقوله «اشتیاق به تحقق توان فردی» و «علاقه به تحقق بهزیستی خود و دیگران» را در خود جای می‌دهد. با اشتیاق به تحقق توان فردی در سبک زندگی فاطمی، دو حوزه «آگاهی» و «آماده‌سازی» محقق می‌گردد و تمایل به تحقق توان فردی نیز با تلاش برای ایجاد محیطی تمیز و پاکیزه و تلاش برای دور کردن فرزندان از بلاها و مشکلات انجام می‌گیرد.

در حوزه «ایجاد شرایط اجتماعی - محیطی - فرهنگی مطلوب» سه مقوله مطرح می‌شود که شامل «غنی بودن محیط»، «مشوق‌های بیرونی» و «سرمشق مناسب» است. غنی بودن محیط در سبک زندگی فاطمی با حضور فیزیکی مادر در کنار فرزندان و استفاده از شعر و بازی مطرح می‌شود. مشوق‌های بیرونی نیز با تقویت ابعاد رفتاری و شناختی فرزندان و در نهایت، سرمشق مناسب با پیشروی در انجام رفتارهای پسندیده به منصف ظهور می‌رسد.

«روابط مثبت» یک سازه تک‌مقوله‌ای است؛ یعنی خود به‌عنوان سازه مطرح می‌شود و در سبک زندگی فاطمی، با احترام، عدالت و انصاف و محبت متجلی می‌گردد.

در نهایت، «شایستگی‌ها» به‌منزله آخرین سازه مورد بحث در سبک زندگی فاطمی، شامل دو مقوله «خودآگاهی و خودمدیریتی» و «مشغولیت» است. در حوزه «خودآگاهی و خودمدیریتی» سبک زندگی فاطمی، مفاهیم آگاهی دادن از حوادث و پیشامدهای ناگوار و خدامحوری و توکل مطمح‌نظر قرار می‌گیرد. همچنین ایجاد مشغولیت نیز با مشارکت دادن فرزندان در امور خانه، بازی دادن به آنان و همراهی با آنان در بازی‌هایشان انجام می‌گیرد.

با توجه به آنچه در این پژوهش ارائه گردید می‌توان گفت مادری نقشی بسیار راهبردی و مهم است که از ظرفیت‌های موجود در این نقش در سطح فردی، خانوادگی و اجتماعی و حتی سیاسی و اقتصادی باید بهره برد. از این‌رو، از یک طرف فردی که در جایگاه مادری قرار می‌گیرد باید نقش مهم خود را دریابد و نسبت به جایگاهی که در آن هست حساسیت فراوانی نشان دهد و از طرف دیگر، جامعه و متولیان آن نسبت به اهتمام‌ورزی زنان به نقش مادری تلاش کنند تا این نقش و ظرفیت‌ها و ظرافت‌های موجود در آن مورد توجه کافی قرار گیرد که از این رهیافت می‌توان شاهد شکوفایی به مفهوم دینی آن به‌طور روزافزون توسط آحاد جامعه بود. در این راستا یکی از مدخل‌های ورود به اهتمام‌دهی به نقش مادری ارائه الگو است. الگوهای اصیل و حقیقی که عاری از هر گونه خطا هستند و از طرفی مورد علاقه جامعه نیز قرار دارند. بدین ترتیب می‌توان مسیرهای مطمئنی را پیش روی افراد جهت رشد و شکوفایی ترسیم نمود.

### محدودیت‌ها و پیشنهادات

محدودیت اصلی این پژوهش از منظر نگارندگان این است که اطلاعات موجود از تاریخ زندگانی این بانوی جلیل‌القدر بسیار کمتر از انتظارات پژوهشگران است و طبعاً این به سبب عمر کوتاه آن حضرت و محدودیت داده‌های تاریخی در عصر ایشان است. اما در عین حال با وجود وجود محدودیت در تعالیم سیره و زندگانی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام کتب و مقالات متعددی تألیف گردیده است که در این زمینه باید به آنها توجه نمود و آنان را بررسی کرد.

یکی از خلأهای آشکار در حوزه مطالعات فاطمی بی‌توجهی به کاربردی کردن تعالیم سبک زندگی فاطمی است. از جمله حوزه‌هایی که این معارف و تعالیم بلند می‌تواند در آن مورد توجه قرار گیرد رشته‌های روان‌شناسی، علوم تربیتی، مشاوره و جامعه‌شناسی است. این معارف در حال حاضر، عمدتاً شامل تاریخ زندگانی هستند و کمتر به تدوین الگوهای برای ارائه به توده‌های جوامع بشری پرداخته شده است. بنابراین لازم است در تحقیقات بعدی الگوهای رفتاری از سبک زندگی حضرت فاطمه علیها السلام استخراج شود و سپس در کاربردهای درمانی و مشاوره‌ای این الگوها تحقیق صورت بگیرد.



## منابع

- ایمان، محمدتقی و علی اکبر نوشادی، ۱۳۹۰، «تحلیل محتوای کیفی»، *پژوهش*، سال سوم، ش ۲، ص ۱۵-۴۴.
- برهانی، سیدمجتبی، ۱۳۹۳، *مروری بر مجموعه مقالات فاطمه‌شناسی*، در: [www.hamshahronline.ir](http://www.hamshahronline.ir)
- بستان (نجفی)، حسین، ۱۳۹۰، *جامعه‌شناسی خانواده با نگاهی به منابع اسلامی*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بهجت پور، عبدالکریم، ۱۳۹۴، «سبک زندگی فاطمی»، *پژوهشنامه سبک زندگی*، دوره اول، ش ۱، ص ۹۹-۱۲۰.
- بهرامی احسان، هادی و همکاران، ۱۳۸۷، «بررسی رابطه الگوهای فرزندپروری با سلامت روانی و موفقیت تحصیلی فرزندان»، *روانشناسی و علوم تربیتی*، سال سی و هشتم، ش ۴، ص ۸۷-۱۰۰.
- پورسینا، زهرا و همکاران، ۱۳۹۳، «نقش واسطه‌ای ایمنی هیجانی در رابطه بین کارکرد خانواده و مشکلات رفتاری کودک»، *روانشناسی خانواده*، ش ۱ (۱۲)، ص ۶۹-۷۸.
- حجتی، محمد و ریحانه سبحانی، ۱۳۹۵، «اخلاق همسرمداری با الگوپردازی از سبک زندگی حضرت فاطمه زهرا علیه‌السلام»، در: *سومین کنفرانس علمی پژوهشی سراسری توسعه و ترویج علوم تربیتی و روانشناسی، جامعه‌شناسی و علوم فرهنگی اجتماعی ایران*، تهران.
- دیبری، سولماز و همکاران، ۱۳۹۱، «تدوین مدل روابط سبک‌های فرزندپروری، شخصیت، عزت نفس و شادکامی: الگوی تحلیل مسیر»، *خانواده پژوهی*، دوره هشتم، ش ۳۰، ص ۱۴۱-۱۵۹.
- رحمان ستایش، کاظم، ۱۳۹۲، *گفتگو*، در سایت پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در دسترس در: <https://iict.ac.ir/2013/09>
- رستمیان، خلوت علی و همکاران، ۱۳۸۶، «بررسی تأثیر استرس در پیش آگهی و پاسخ به درمان در ۱۰۰ بیمار مبتلا به آرتریت روماتوئید»، *دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران*، دوره شصت و پنجم، ش ۵، ص ۶-۱۰.
- رشاد، علی اکبر، ۱۳۹۲، *دانشنامه فاطمی*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- رضوانی، علی اصغر، ۱۳۸۸، *الگوی برتر: درس‌هایی از زندگانی حضرت فاطمه زهرا علیه‌السلام*، قم، مسجد مقدس جمکران.
- زارعی، مجید و راحله کاردوانی، ۱۳۹۲، «بررسی تطبیقی روش‌های تربیتی حضرت زهرا علیه‌السلام در فرزندپروری با روش‌های تربیتی عصر مدرن»، *معرفت*، ش ۱۹۲، ص ۶۱-۷۲.
- سالاری فر، محمدرضا، ۱۳۸۷، *خانواده در نگرش اسلام و روانشناسی*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- شفیع پور، سیده زهرا و همکاران، ۱۳۹۴، «سبک‌های فرزندپروری و ارتباط آن با مشکلات رفتاری کودکان»، *پرستاری و مامایی جامع‌نگر*، دوره بیست و پنجم، ش ۷۶، ص ۴۹-۵۶.
- شولتز، دوان، ۱۳۹۸، *نظریه‌های شخصیت*، ترجمه یوسف کریمی و همکاران، تهران، ارسباران.
- ضیایی، حسام و همکاران، ۱۳۹۶، «آرنیخشی آموزش مبتنی بر الگوی روانشناختی شکوفایی بر شادکامی، شایستگی و مشارکت اجتماعی»، *پژوهش‌نامه روانشناسی مثبت*، دوره هفتم، ش ۱، ص ۱۹-۳۴.
- عادل پور، محمدحسین، ۱۳۹۶، «بررسی و مقایسه سبک‌های فرزندپروری از دیدگاه اسلام و دانشمندان غربی»، *بصیرت و تربیت اسلامی*، دوره چهاردهم، ش ۴۳، ص ۷۱-۹۰.
- علیان، محمد، ۱۳۹۴، *تدوین الگوی سبک زندگی زن در خانواده اسلامی براساس ابعاد روانشناختی سبک زندگی فاطمی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، اصفهان دانشگاه اصفهان.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۹۵، *تدوین الگوی سبک زندگی زن در خانواده اسلامی براساس ابعاد روانشناختی سبک زندگی فاطمی*، گزارش طرح پژوهشی تصویب شده دانشگاه اصفهان.
- قهرمانی نژاد شایق، بهاء‌الدین، ۱۳۹۴، «زندگی و سیره حضرت زهرا علیه‌السلام به‌عنوان الگوی سبک زندگی دینی»، *راهبرد فرهنگی اجتماعی*، ش ۱۵، ص ۱۹-۲۴۲.

کافی، مجید، ۱۳۹۷، *سبک زندگی اجتماعی با تأکید بر آیات قرآن*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان تبلیغات اسلامی.  
 کریندورف، کلوس، ۱۳۹۳، *تحلیل محتوا مبنای روش‌شناسی*، ترجمه هوشنگ نایی، تهران، نشر نی.  
 کریم‌زاده، مهرا و همکاران، ۱۴۰۰، «اثربخشی برنامه والدگری مبتنی بر روانشناسی مثبت‌گرا بر خودکارآمدی، ناگویی هیجانی و بار روانی مادران کودکان با مشکلات رفتاری»، *پرستاری کودکان*، دوره هفتم، ش ۳، ص ۱-۱۲.  
 کوچکی راوندی، غلامعباس، ۱۳۹۴، «خشونت خانوادگی با سلامت روان زنان متأهل»، در: *کنفرانس ملی روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی*، شادگان.

محمدپور، احمد، ۱۳۹۸، *ضد روش*، قم، لوگوس.

\_\_\_\_، ۱۳۸۹، *فراروش*، تهران، جامعه‌شناسان.

میرزاخانی، پرویز و همکاران، ۱۳۹۶، «اثربخشی آموزشی شکوفایی بر هیجان‌های مثبت، روابط، احساس معنی، پیشرفت و مجذوبیت پژوهشگران جوان و نخبگان»، *پژوهش در نظام‌های آموزشی*، دوره یازدهم، ش ۳۶، ص ۲۰۹-۲۳۰.  
 نبی یوا، مناره و فاطمه وحیدی، ۱۳۹۹، «سبک فرزندپروری حضرت زهرا (ع)»، *پژوهش‌های اسلامی جنسیت و خانواده*، دوره سوم، ش ۵، ص ۷۷-۹۶.

هاشمی، سیدحسین، ۱۳۸۶، «قرآن و نقش تربیتی مادر در خانواده»، *پژوهش‌های قرآنی*، دوره سیزدهم، ش ۴۹، ص ۵۶-۷۳.  
 هژیریان، هانیه و همکاران، ۱۳۹۳، «ارائه الگوی روانشناختی شکوفایی انسان براساس نظریه زمینه‌ای: یک پژوهش کیفی»، *روانشناسی تربیتی*، سال دهم، ش ۳۴، ص ۲۰۷-۲۳۲.

یدالله‌پور، محمدهادی و همکاران، ۱۳۹۲، «بررسی تطبیقی بهبود کیفیت زندگی از منظر اسلام و روانشناسان مثبت‌گرا»، *دین و سلامت*، دوره اول، ش ۱، ص ۷۳-۸۲.

Biswas-Diener, R., 2008, "Material wealth and subjective well-being", *The science of subjective well-being*, p. 307-322.

Diener, E., & Seligman, M. E., 2002, "Very happy people", *Psychological science*, N. 13(1), p. 81-84.

Diener, E., Oishi, S., & Lucas, R. E., 2003, "Personality, culture, and subjective well-being: Emotional and cognitive evaluations of life", *Annual review of psychology*, N. 54(1), p. 403-425.

Gradus, J., 2017, "Prevalence and prognosis of stress disorders: a review of the epidemiologic literature", *Clinical Epidemiology*, V. 9, p. 251-260.

Kammerlander, N., Sieger, P., Voordeckers, W., & Zellweger, T., 2015, "Value creation in family firms: A model of fit", *Journal of Family Business Strategy*, N. 6(2), p. 63-72.

Kyriazos, T. A., & Stalikas, A., 2018, "Positive parenting or positive psychology parenting? Towards a conceptual framework of positive psychology parenting", *Psychology*, N. 9(07), p. 1761-1788.

Seligman, M. E., 1999, "Positive social science", *Journal of Positive Behavior Interventions*, N. 1(3), p. 181-182.

Tobacyk, J., & Miller, M., 1991, "Comment on Maslow's Study of Self-Actualization", *Journal of Humanistic Psychology*, N. 31(4), p. 96-98.